



بررسی واژه‌بست در زبان تاتی گونه دروی

جهاندوست سبزعلیپور^۱

هنگامه واعظی^۲

چکیده

پژوهش حاضر واژه‌بست‌ها را در زبان تاتی بررسی می‌کند. تشخیص و شناسایی این سازه‌های وابسته، برای شناساندن هویت آن در دنیای علم زبان‌شناسی اهمیت بسیار دارد. هدف از این بررسی این است که بدانیم واژه‌بست‌ها در این زبان چه انواعی دارند و در چه جایگاه‌هایی مشاهده می‌شوند. رفتار دوگانه واژه‌بست و شباهت آن به وند، انگیزه اصلی نگارندگان بوده است. بررسی و جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و بر اساس شم زبانی یکی از نویسندگان بوده است. بررسی داده‌های تاتی نشان داده است که طبقه‌بندی انواع واژه‌بست‌ها در این زبان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با زبان فارسی دارد. انواع واژه‌بست‌ها در زبان تاتی عبارت‌اند از: علامت جمع و معرفگی برای انسان، ضمائر متصل غیرفاعلی (ضمایر ارگتیو)، ضمائر پی‌بستی یا متصل فاعلی (شناسه)، نشانه صفت، نشانه نکره، نشانه تأکید فعل، قید پی‌بستی، ضمیر شخصی اول شخص مفرد و حالت نماها. افعال مرکب پی‌بستی محیطی است که در آن ضمائر پی‌بستی ظاهر می‌گردند. در بررسی ویژگی‌های کلی واژه‌بست‌ها در این زبان همانند زبان‌های دیگر، میزبان، جهت، نقش و تکیه اهمیت بسیار دارند. نکته جالب در این زبان این است که شناسه‌ها برخلاف زبان فارسی، واژه‌بست هستند و ترکیب چند واژه‌بست نیز در آن امکان‌پذیر است. بر خلاف زبان فارسی، مضاعف‌سازی واژه‌بست‌ها در این زبان وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: زبان تاتی، واژه‌بست، پی‌بست، مضاعف‌سازی، پیش‌بست، وند.

✉ sabzalipor@gmail.com

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (نویسنده مسئول)

✉ hengamehvaezi@yahoo.com

۲- استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

۱- مقدمه

هر سازهٔ زبانی به یکی از سه شکل واژه، وند و واژه‌بست ظهور می‌کند. هر کدام از این سازه‌ها، رفتارهای خاص و ویژگی‌های خاصی دارند. بررسی واژه‌بست در هر زبانی اهمیت خاصی دارد. واژه‌بست، تکواژ وابسته‌ای است که به دنبال واژه می‌آید، اما جزء ساختواره نیست. برای مثال، در جمله *Mat's Mat's a linguist* به هنگام تلفظ /mæts/، به‌طور یک‌پارچه تلفظ می‌شود. پس به لحاظ آوایی یک هجا تلقی می‌گردد؛ در عین حال، نقش‌های دستوری فاعل و فعل را نیز نشان می‌دهد. 's صورت تخفیف یافته فعل ربطی is است که به اسم پیش از خود (میزبان) متصل شده است. صورت کامل و آزاد (is) به واژه پیش از خود وابسته نیست. بنابراین واژه‌بست رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهد؛ از یک سو مانند وندها به پایه و میزبان نیاز دارد، از سویی دیگر همانند واژه‌های مستقل، نقش دستوری را نشان می‌دهد. علاوه بر زبان انگلیسی، در بسیاری از زبان‌ها، واژه‌بست‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بعضی از زبان‌ها تنها یک واژه‌بست و در بعضی دیگر، بیش از یک واژه‌بست نیز مشاهده شده است برای مثال در زبان صربی-کرواتی، ترتیب سازه آزاد است و واژه‌بست‌ها باید به ترتیب خاصی در پی یکدیگر قرار گیرند (اسپنسر و لویی، ۲۰۱۲).

Taj mije pesnik napisao knjigu
That to.me AUX.3SG poet wrote book
"That poet wrote me a book"

بنابراین واژه‌بست‌ها را می‌توان حد واسطی بین تکواژ آزاد و مقید دانست. این سازهٔ دستوری یک تکواژ فاقد تکیه است که خصوصیات خاصی دارد و اغلب در کنار واژه و وند قرار می‌گیرد، یعنی یک سازهٔ دستوری، یا تکواژی وابسته است. چنین ویژگی‌هایی سبب شد تا بسیاری از زبان‌شناسان این تکواژهای وابسته را در زبان‌های متفاوتی مورد بررسی قرار دهند. مرور سوابق و مطالعات پیشین نشان داده است که در زبان تاتی چنین پژوهشی انجام نشده است. بررسی ویژگی‌های واژه‌بست‌ها در هر زبانی می‌تواند نمونه‌ای متفاوت از زبان دیگر را نشان دهد. بنابراین نویسندگان با این انگیزه در صدد شناسایی انواع و ویژگی‌های آنان برآمدند. در زبان تاتی نیز واژه‌بست‌های بسیاری به‌کار می‌رود، در این تحقیق سعی شده است در چند بخش انواع واژه‌بست تاتی دروی معرفی شود.

زبان تاتی از زبان‌های ایرانی شاخهٔ شمال غربی است که در مناطقی از ایران و خارج از آن رایج است و به دو دسته تقسیم شده است: تاتی شمالی که در خارج از ایران در مناطقی از داغستان، ارمنستان و آذربایجان رایج است و از دسته زبان‌های ایرانی جنوب غربی و هم‌خانوادهٔ فارسی است و تاتی جنوبی که در مناطقی از ایران در اطراف تبریز، در رودبار گیلان، اطراف قزوین، زنجان، خلخال، شمال خراسان رایج است. در خلخال گونه‌های تاتی آسکستانی، آسجویی، دروی، کلوری، شالی، دیزی، کرینی، کهلی، لردی، گیلوانی، طهارمدشتی در بخش شاهرود و گونه کجلی و کرنقی در بخش خورش‌رستم رایج‌اند. تحقیق حاضر بر مبنای داده‌هایی از تاتی گونهٔ دروی نوشته شده است برای دستیابی به واژه‌بست‌های تاتی دروی، علاوه بر مقالاتی که از آنها در متن استفاده شده، از شم زبانی نویسندگان مقاله و پیکره کوتاهی با نه داستان و خاطرهٔ آوانویسی شده تاتی مندرج در انتهای «گنجینه تاتی خلخال» (سبزعلیپور، ۱۳۹۴)، نیز استفاده شده است. در این تحقیق واژه‌بست با علامت = مشخص شده است.

پژوهش حاضر از چهار بخش اصلی تشکیل می‌شود. در بخش نخست پس از مقدمه مختصر، چارچوب و نقش‌های کلی واژه‌بست‌ها از دیدگاه اسپنسر و لویی معرفی می‌شوند. بخش دوم یعنی پیشینه به مطالعات محققان غیرایرانی و ایرانی اختصاص داده شده است. در بخش سوم داده‌های زبانی تحلیل می‌شوند و انواع طبقه‌بندی واژه‌بست‌ها در زبان تاتی معرفی می‌شوند. بخش پایانی به نتیجه بررسی و تحلیل داده‌ها به‌طور کلی اختصاص دارد.

۲- چارچوب نظری

اسپنسر و لویی (۲۰۱۲) برای شناساندن ویژگی‌های اصلی واژه‌بست‌ها، زبان‌های متفاوتی را بررسی کرده‌اند. آنها در بررسی خود به پنج گروه نقشی قائل شده‌اند. هدف از این کار این است تا ویژگی‌های واژه‌بست‌ها را با توجه به نقش‌هایی که ایفا می‌کنند طبقه‌بندی نمایند. تعیین نقش‌های متنوع برای واژه‌بست‌ها، خصوصیت اصلی این چارچوب است که آنها را از دیگران متمایز می‌کند.

۱) در نقش فعلی؛ واژه‌بست ^s در همان جایگاهی قرار دارد که شکل کاملش *is* به‌عنوان فعل کمکی در کنار فعل آمده است. واژه‌بست فعل کمکی تکیه ندارد و تأکیدی نمی‌شود. چنین نمونه‌هایی را زوئیکی (۱۹۷۷) واژه‌بست‌های ساده می‌نامد. بررسی زبان‌های متفاوت نشان می‌دهد که در زبان صربی-کرواتی، صورت واژه‌بست فعل ربطی *be* مانند زبان انگلیسی هم صورت کامل دارد و هم به شکل واژه‌بست به کار می‌رود. در شکل واژه‌بست، بدون تکیه است و هنگامی که آن را تأکیدی می‌کنند، صورت کامل آن را به کار می‌برند. عملکرد واژه‌بست در این زبان، محدودیتی دارد؛ میزبان باید در سمت چپ آن قرار گیرد. یعنی کاربرد واژه‌بست در جایگاه دوم قابل قبول است (نمونه b).

a. *SU	u sadu	b. U sadu	su	devojk
3PL.BE	in garden	in garden	3PL.BE	girls
		" The girls are in the garden"		

واژه‌بست‌هایی که از این قانون تبعیت می‌کنند، واژه‌بست‌های جایگاه دوم یا واکرناگل نامیده می‌شوند. این نوع از واژه‌بست‌ها را زوئیکی ویژه می‌نامد. واژه‌بست‌هایی که با صورت آزاد خود رابطه واجی دارند «ساده» خوانده شده و آنها که فاقد رابطه با صورت کامل خود هستند، «ویژه» نام گرفته‌اند.

۲) در نقش‌بندی؛ واژه‌بست، جمله یا بند را نشانه‌گذاری می‌کند برای مثال در زبان ایمبابورا کوچوا در پرسش‌های آری- خیر واژه بست *chu*، جمله را نشانه‌گذاری می‌کند و نوع جمله را نشان می‌دهد.

<i>imbabura quechua</i> (cole 1982, 15)	
a. wasi-man=	chu ri-ju-ngui
house-to=q	go-prog-2
'are you going to the house?'	

۳) در نقش اسمی؛ واژه‌بست‌هایی که در این طبقه معرفی شده‌اند عبارتند از حالت، معرفگی، مطابقت ملکی و شمار. واژه‌بست‌ها می‌توانند نقش‌ها و حالت‌های دستوری را نیز نشانه‌گذاری کنند (و در اغلب موارد نشانه‌ای برای

مطابقت نیز باشند). برای مثال مطابقت در زبان لاتین عبارتند از: حالت فاعلی (فاعل)، حالت مفعولی (مفعول مستقیم)، حالت مفعولی غیرصریح برای (مفعول غیرمستقیم)، حالت ملکی و حالت غیرفاعلی (مکان یا ابزار).
 ۴) در نقش ضمیری؛ پی‌بست‌های ضمیری در بیشتر زبان‌های ایرانی وجود دارند، اما از حیث نقش و توزیع با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. پی‌بست‌های ضمیری در زبان‌های ایرانی در برخی یا تمام نقش‌های زیر به کار می‌روند (هیگ، ۲۰۱۳: ۷).

پی‌بست‌های ضمیری براساس کارکرد نحوی به چهار گروه تقسیم می‌شوند؛ الف- پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو)؛ آن دسته از پی‌بست‌هایی که حالت فاعلی دارند یا در جایگاه فاعل منطقی جمله قرار می‌گیرند. ب- پی‌بست‌های مفعولی؛ آن دسته از پی‌بست‌هایی هستند که حالت مفعولی دارند و در جایگاه مفعول صریح (بی‌واسطه) قرار می‌گیرند. ج- پی‌بست‌های مفعولی غیرصریح؛ آن دسته از پی‌بست‌هایی که حالت مفعولی غیرصریح (به‌ای- برای) دارند. د- پی‌بست‌های ملکی؛ پی‌بست‌هایی که به‌عنوان مالک در ترکیب‌های ملکی به کار می‌روند.

۵) در نقش کلامی؛ برای مثال در زبان هیتی دو واژه‌بست ربطی وجود دارد: $(y)a$ (پیوند دهنده) و $(m)a$ (مبتدا) گرت (۱۹۹۶). در نقش‌های کلامی نمونه‌های مبتدا، نقل قول مستقیم، غیرمستقیم و اتصالات کلامی در جملات مرکب با بندهای موصولی سبب ایجاد نمونه‌هایی از واژه‌بست‌ها می‌شوند که در زبان‌های متفاوت گوناگون عمل می‌شود. برای مثال در این زبان، واژه‌بست به ضمیر موصولی متصل نشده است و به حرف تخفیف یافته *nu* می‌چسبد که در ابتدای بیشتر جمله‌های زیر مشاهده می‌شود.

nu=nnāš É-ir kuit eššuen
 NU=DAT.1PLhouseREL.PRONmade.1PL
 'the house that (we) built us . . .' (Garrett 1996, 88)

۳- پیشینه

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که واژه‌بست‌ها مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان غیرایرانی و ایرانی بوده‌اند. که در زیر به ترتیب معرفی می‌شوند:

زوئیکی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵)، اسپنسر (۱۹۹۱) و کاتامبا^۱ (۱۹۹۳) هر یک با توجه به معیارهای خود، واژه‌بست‌ها را بررسی کرده‌اند. آنچه که در همه این بررسی‌ها مشابه بوده، این است که واژه‌بست‌ها ویژگی‌هایی شبیه به وند را نشان می‌دهند، مستقل نیستند، به میزبان نیاز دارند و دو نوع ساده و ویژه دارند. آیخن‌والد (۲۰۰۳) با در نظر گرفتن ویژگی‌های کلی شبیه به دیگران، معیارهای دیگری را نیز مورد توجه قرار داده است. مانند جهت، نوع میزبان، ترکیب‌پذیری واژه‌بست‌ها، قواعد واجی و آوایی، ترتیب چینش آنها، نحوه واج آرایی، تعداد هجا و مانند اینها. در مجموع، مطالعات هر یک از زبان‌شناسان غیر ایرانی در خور توجه بوده است.

- مشکوٰه الدینی (۱۳۸۴) ضمائر متصل به اسم (کارم)، فعل (دیدمش)، صفت (خوبم کرد)، حرف اضافه (ازم) و ضمیر اشاره (اینجام) و پرسش‌واژه (کیش) را نیز به تفکیک نشان می‌دهد. وی در ارزیابی خود ویژگی‌های آوایی، ساخت‌واژی، معنایی و نحوی را مورد توجه قرار می‌دهد.

- شقاقی (۱۳۸۶) معتقدست که با توجه به بررسی‌های انجام شده در زبان فارسی، واژه‌بست‌ها عبارتند از: ضمائر پی‌بستی پیوسته، صورت پی‌بستی فعل ربطی «بودن» (-ام، -ای، -س، -ست -ایم، -اید، -اند). در دستور سنتی ضمائر متصل و صورت‌های متفاوت فعل «بودن» و «هستن» را شامل می‌شود؛ صورت پی‌بستی «هم»، صورت پی‌بستی نشانه مفعولی «را»، صورت‌های فعلی تأکیدی که پس از فعل می‌آیند، «ها»، بی‌نکره. علاوه‌بر نمونه‌های بالا، کلباسی (۱۳۷۱: ۳۳) الف ندا در منادا را نیز واژه‌بست می‌داند.

- راسخ مهند (۱۳۸۹) معتقدست حضور اختیاری واژه‌بست در انتهای فعل نشان‌دهنده اینست که آن هنوز فرآیند دستوری‌شدگی (ضمیر مستقل ← واژه‌بست ← وند تصریفی ← وند اشتقاقی ← صفر) را به‌طور کامل طی نکرده و تبدیل به وندی برای مطابقت نشده است. از دیدگاه وی، هرگاه واژه‌بستی به میزبانی پیوندد که آن میزبان نخستین سازه دستوری باشد، جایگاه آن واژه‌بست را جایگاه دوم یا واکرناگل می‌نامند. جایگاه دیگر واژه‌بست‌ها، جایگاه کنار فعل است. هرگاه واژه‌بستی به فعل یا هسته‌ای که کارکرد فعلی دارد پیوندد، جایگاه آن را جایگاه کنار فعل می‌نامند. وی در بررسی دیگر خود در واژه‌بست‌های در کنار فعل نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های ضمیری فارسی در جایگاه‌های متفاوتی ظاهر می‌شوند. واژه‌بست‌های فارسی در برخی ساخت‌ها به افعال مرکب پی‌بستی مشهورند، مانند خوابم می‌آید، ماتش برد و نظایر آن. در این نمونه‌ها حضور اجباری دارند و به نشانه مطابقت تبدیل شده‌اند.

- صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲) با تأکید بیشتر بر ساختار ساخت‌واژی به بررسی واژه‌بست‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. نگارندگان معتقدند که در بررسی حاضر بحث‌های نحوی نیز به ناگزیر دنبال می‌شوند. واژه‌بست‌های زبان فارسی بر اساس الگوهای رده‌شناختی آبخن‌والد (۲۰۰۳)، بیکل و نیکل (۲۰۰۷) و کلاونس (۱۹۸۵) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر ثابت می‌کند که می‌توان از الگوی پیشنهادی آبخن‌والد به‌عنوان ابزاری علمی و مناسب جهت تشخیص و مطالعه واژه‌بست‌های زبان فارسی استفاده کرد. از دیدگاه آنها پی‌بست‌های زبان فارسی دارای ویژگی‌های زیر هستند؛ دو نوع واژه‌بست‌های ساده و ویژه وجود دارد. واژه‌بست‌های اضافه بهترین نمونه از واژه‌بست‌های ویژه؛ و واژه‌بست رابط نمونه‌های خوبی از واژه‌بست‌های ساده هستند. ضمائر متصل شخصی، نشانه عطف، نشانه اضافه واژه‌بست هستند. اما در مورد (الف) ندایی معتقدند نیاز به بررسی بیشتر دارد. در خصوص بی‌نکره نیز بر مبنای چارچوب مورد نظر آن را واژه‌بست نمی‌دانند (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

۴- بررسی واژه‌بست در زبان تاتی

۴-۱- انواع واژه‌بست‌های تاتی دروی

در تاتی تعدادی زیادی واژه‌بست به‌کار می‌رود. در ادامه هریک از واژه‌بست‌های تاتی دروی، همراه با مثال‌ها و ترجمه‌های هریک، شرح داده شده‌است.

۴-۱-۱- نوعی علامت جمع و معرفی برای انسان

در زبان تاتی نوعی علامت جمع و معرفگی وجود دارد که مختص انسان است و این علامت دقیقاً به معنای جمع نیست، یعنی کارکرد نشانه جمع را ندارد، بلکه منظور نماینده نوع، گروه و طبقه خاصی است. مانند:

1-samad =mân bəšind صمد اینا رفتند.
Samad Clt go:pst.3SG

این نشانه در تاتی قابل مقایسه با اینا (اینها) در زبان فارسی و gil= در ترکی آذری است: samad=gil dedilar (صمد اینا گفتند). در تاتی دلیل واژه‌بست بودن این تکواژ این است که معنا دارد، با پایه خود یک تکیه دارد و به این وندهی افزوده نمی‌شود، اما واژه‌بست، افزوده می‌شود. حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است. این واژه‌بست در انتهای گروه اسمی قرار می‌گیرد. مانند:

2- zeynab =mânə =mân bind زینب اینا را دیدیم.
Samad Clt Clt see- past.13sG

در مورد پیوستن واژه‌بست به واژه‌بست دیگر در زبان تاتی، به بند اتصال واژه‌بست‌ها به یکدیگر، همین مقاله مراجعه شود. در این بافت اگر به جای mân از علامت جمع دیگری استفاده کنیم، بدساخت خواهد شد:

3- *samad -ân bəšind. صمد اینا رفتند.

این واژه بست اگر با اسمی غیر از اسم‌های انسان بیاید، بدساخت می‌شود. مانند زیر:

4- *kitâv =mânə =mân pegat. کتاب‌ها را برداشتم.
Book Clt Clt pick up- past.13sG

در جمله شماره ۴ به جای علامت جمع -ân از mân- استفاده شده و جمله بدساخت شده است.

۴-۱-۲- ضمائر متصل غیرفاعلی یا ضمائر ارگنیو

ضمائر متصل غیرفاعلی (غیرمستقیم) یا ضمائر ارگنیو ضمائری هستند که در آخر کلمه‌ای متصل می‌شوند و نقش می‌گیرند. در تاتی این ضمائر نقش‌های متفاوتی می‌گیرند. اسم تاتی در حالت فاعلی نشانه خاصی نمی‌گیرد و همین بی‌نشانه بودن خود نشانه فاعلی بودن آن است، ولی اگر نقش‌های زیر را داشته باشد به شکل غیرفاعلی ظاهر می‌شود. نشانه غیرفاعلی اسم‌های جمع در تاتی -ân و نشانه حالت غیرفاعلی اسم مفرد در تاتی -ə است که به انتهای اسم می‌پیوندد؛ اگر اسم مفرد مختوم به هم‌خوان باشد، نشانه غیرفاعلی ظاهر نمی‌شود. در نقش‌های زیر اسم در حالت غیرفاعلی ظاهر می‌شود:

۱- مفعول فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان حال

۲- فاعل فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان گذشته

۳- مفعول غیرمستقیم در جملات دارای زمان حال از جمله مفعول ازی، مفعولی دری، مفعول برایی
مفعول فعل متعدی در زمان حال:

5- azgâv=ə vin=əm. من گاو را می‌بینم.

1sg:Nom cow-Acc see:Pst. 1sg

فاعل فعل متعدی در زمان گذشته:

6- ahad=ə a=š bind. احد او را دید.

Ahad-Abs 3sg-CLt see:Pst 3sg

مفعول به‌ای در زمان حال:

7- âdam ahad=ətə=râ bârə.

give:pres 1sg Ahad. Obl 2sg. obl bring:

pres.3sg

به احد می‌دهم تا برای تو بیاورد

این ضمایر در تاتی واژه‌بست محسوب می‌شوند. حوزه نفوذ این واژه‌بست‌ها هم گروه اسمی و هم گروه فعلی است. در هر دو مورد به انتهای گروه می‌پیوندند. ضمایر شش‌گانه متصل غیر فاعلی در جدول زیر معرفی شده‌اند:

جدول ۱: ضمایر متصل غیر فاعلی دروی

مفرد	جمع
-(ə)m	-(ə)mân
-(ə)r	-(ə)rân
-(ə)š	-(ə)šân

هم‌چنان که در جدول فوق پیداست، شکل مفرد این ضمایر تا حدی شبیه شکل جمع آنهاست، تنها تفاوت آنها این است که در شکل جمع تکواژ جمع -ân به آنها افزوده شده‌است. به عبارتی دیگر اگر به شکل مفرد این ضمایر وند جمع بیفزاییم، شکل جمع آنها به‌دست می‌آید. این ویژگی در زبان فارسی نیز وجود دارد. این ضمایر به میزبان‌های مختلفی می‌پیوندند، تعدادی از میزبان‌های این واژه‌بست‌ها در زیر آمده‌است:

8- das =əm (دستم) اسم:
hand Clt.

9- kâ =š â.dâ? (به کجا داد؟) حرف‌افزافه:
where Clt give: pst.2sg

10- ki =rân bâr. (به کی گفتید؟) ضمیر پرسشی:
who Clt.Dat. say:pas. 3sg

11- zir =əmân b- vard. (دیروز بردیم) قید:
بردن (گذشته) اجمع وند تصریفی ضمیر متصل غیر فاعلی دیروز

12- ča=kəne =šân pe.gat. (مال او را برداشتند) ضمیر ملکی:
3sg.Gen Clt. Obl Clt.Erg pik up:
pst.3sg

13- av =əmân bind (او را دیدیم). ضمیر شخصی:
3sg Obl Clt.Erg see:pst.3sg

14- av =əm bind. (دیدمش) فعل
3sg Erg Clt.Erg see.past. 3sg

ضمایر متصل غیرفاعلی در تاتی دروی، نقش مطابقه را ایفا می‌کنند، اما همیشه به فعل متصل نمی‌شوند. اگر در جمله همه اجزای جمله حذف شوند و فقط فعل باقی بماند، این واژه‌بست‌ها به فعل متصل می‌شوند والا به اولین یا نزدیک‌ترین سازه دستوری متصل می‌شوند. در تاتی این ضمایر نقش اضافی ندارند، یعنی همانند زبان فارسی که گفته می‌شود: «دست -م»، در تاتی گفته نمی‌شود. و این ضمایر همیشه وابسته به فعل ماضی متعدی هستند و در جمله‌ای که فعلش مضارع یا لازم باشد، ظاهر نمی‌شوند مگر اینکه آن جمله فعلش مرکب پی‌بستی باشد. بدین خاطر در این مقاله ضمیر ارگتیو نام گرفته‌اند. در زبان جواترها گاهی این ضمایر در جایگاه بعد از دوم قرار می‌گیرند، یعنی به نوعی از جایگاه دوم یا واکرناگل خارج می‌شوند:

15- zir avə =šân pe-gat. دیروز آن را برداشتند.
yesterday 3sg. Obl Clt. Erg pik up:pst 3sg

16- hasan=ə avân =əš bəvard ka. حسن آنها را برد خانه.
Hasan Abs. 3pl. Obl Clt.Erg take away: pst. 3sg

این تغییر جایگاه از دوم یا واکرناگل به سوم و چهارم و... نشان از فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان تاتی دروی دارد (درباره فروپاشی ارگتیو در تاتی نک. سبزعلیپور، ۱۳۹۲؛ نیز رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌علیپور، ۱۳۸۶). جمله شماره ۱۵ را به این شکل نیز بیان می‌کنند که کهن‌تر و صحیح‌تر به نظر می‌رسد:

15 b) -zir =šân a pe-gat.

علت واژه‌بست بودن ضمایر ارگتیو در این گونه، آن است که هیچ‌و ندی بعد از آن ظاهر نمی‌شود، و تنوع میزبان دارد.

20- man =əš bəvard. ضمیر: (مرا بردند).
1sg. ErgClT carry:pst.3sg

21- xub=əš bəvard, bad =əš bašt. صفت: (خوبها را برد، بدها را گذاشت).
good Clt.Erg arry:pst.3sg bad Clt.Erg leave:pst
.3sg

یکی دیگر از دلایل واژه‌بست بودن این ضمایر این است که اگر در جمله‌ای مانند جمله زیر، به جای شکل پی‌بستی، از شکل کامل استفاده شود، جمله بدساخت خواهد شد:

23- xalk =ə ama =šân bəza. مردم ما را زدند.

People Clt our Clt beat.past 3pl

24- *xalk=ə am =avân bəza

مردم ما را زدند.

جمله آخر به علت استفاده از شکل کامل ضمیر، بد ساخت و غیر دستوری شده است.

۴-۱-۳- ضمائر فاعلی بی‌بستی یا شناسه؟

در تعدادی از زبان‌های دنیا شناسه نوعی واژه‌بست به‌شمار می‌آید. در تعدادی از زبان‌های ایرانی، به‌عنوان مثال، در زبان گورانی (بامشادی، ۱۳۹۲: ۲۷۳) نیز شناسه نوعی واژه‌بست است. در زبان فارسی نیز عده‌ای معتقدند شناسه‌ها وند تصریفی تمام‌عیار نیستند. نغزگوی کهن (۱۳۸۹: ۹۳-۹۴) در این باره نوشته است: «شواهد فراوانی از قرون متقدم هجری از زبان فارسی در دست است که نشان می‌دهد گویشوران آن دوره شناسه‌های فارسی را به قرینه حذف می‌کرده‌اند. به عبارتی در دوره مذکور، شناسه‌ها هنوز بعضی مشخصه‌های مهم واژه‌بست‌ها را داشته‌اند. حتی در فارسی امروز نیز شناسه‌ها به‌صورت وندهای تصریفی تمام‌عیار در نیامده‌اند، زیرا اکثر وندهای تصریفی فارسی امروز «تکیه‌بر» هستند، ولی شناسه‌ها «تکیه‌بر» نیستند». در زبان تاتی شناسه‌ها نقش مطابقت فاعلی دارند یعنی فعل را با فاعل مطابقت می‌دهند، برخلاف ضمائر متصل غیرفاعلی که کار مطابقت مفعولی را انجام می‌دهند. در تاتی شناسه‌ها هم جزئی از واژه‌بست‌ها به‌شمار می‌آیند فعل‌های تاتی در موارد زیر شناسه می‌گیرند:

الف) فعل‌های ماضی لازم، ب) فعل‌های ماضی استمراری متعدی، ج) فعل‌های مضارع، د) فعل‌های امر و نهی.
فعل‌های ماضی استمراری متعدی از شناسه‌ها استفاده می‌کنند. برخلاف دیگر ماضی‌های متعدی، که از ضمائر متصل غیرفاعلی استفاده می‌کنند و ساخت کُنایی دارند. به‌طور کلی سه دسته شناسه در زبان تاتی به‌کار می‌رود:

الف) شناسه‌های ماضی لازم:

ب) شناسه‌های مضارع:

ج) شناسه‌های تمنایی:

شناسه فعل‌های لازم	شناسه فعل‌های لازم و متعدی	شناسه فعل‌های تمنایی
ماضی	مضارع	تمنایی
-(i)m	-(ə)m	âm
-(i)š	i	âš
-∅	-ə	â
-(i)mân	-am	âmân
-(i)rân	-a	-ârân
-(i)ndə	ən(də)	ând(ə)
سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
اول شخص مفرد	اول شخص جمع	اول شخص جمع
دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع	دوم شخص جمع
سوم شخص مفرد	سوم شخص جمع	سوم شخص جمع

(برای انواع شناسه تاتی نک. سبزعلیپور، ۱۳۹۱). از این نظر که به شناسه‌های تاتی وندی متصل نمی‌شود، برخلاف زبان فارسی هستند. در فارسی می‌توان گفت: دیدمش (did-am=aš).

در این مثال فارسی، شناسه وندی است که به آن واژه‌بست اضافه شده است، اما در تاتی طبق ویژگی «جلوگیری از وندافزایی» (شقایق، ۱۳۷۶: ۱۴۷)، بعد از شناسه هیچ واژه‌بستی افزوده نمی‌شود. به‌عنوان نمونه این جمله در تاتی بدساخت محسوب می‌شود:

25- *bəbard.	šân	-im	بردمشان
take.past	3pl	ClT 1sg	

حوزه نفوذ این واژه‌بست‌ها هم گروه اسمی و هم گروه فعلی است در هر دو مورد به انتهای گروه متصل می‌شود. یکی دیگر از دلایل پی‌بست بودن شناسه‌ها در زبان تاتی گونه‌ی دروی این است که این پی‌بست‌ها میزبان‌های مختلفی می‌گیرند. میزبان‌های شناسه‌های تاتی عبارتند از:

26- az	šū	=m	فعل	(رفتی.)
I	go	ClT 1sg		
27- xub		=iš ?	صفت	(خوبی؟)
good		are.ClT 2sg		
28- ki		=[y]ə	ضمیمه	(کیه؟)
who	is	ClT.3sg		
29- tə	hasan	=is ?	اسم	(تو حسنی؟)
you	Hassan	are ClT.2sg		

۴-۱-۴- تکواژ وصفی

یکی دیگر از واژه‌بست‌های زبان تاتی دروی، علامت صفت است. این علامت در تاتی بعد از صفت ظاهر می‌شود. در تاتی صفت قبل از موصوف ظاهر می‌شود و از این نظر متفاوت از زبان فارسی است. مانند:

30- ser	=a	asiv	سیب سرخ
red	ClT	apple	
31- sabz	=a	lif	برگ سبز
green	ClT	Leaf	

حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است، و میزبان‌های مختلفی از اسم و صفت می‌تواند داشته باشد:

32- bəz	=a	mu	موی بز (مویی که از جنس بز است)
Goat	ClT	wool	
33- pas	=a	pašma	پشم گوسفندی
Sheep	ClT	wool	

نکته‌ای که در اینجا باید ذکر شود این است که در تاتی ترکیب *hasan.a raz* (باغ حسنی، باغ منسوب به حسن) با *hasan.ə raz* (باغ حسن) تفاوت بسیار دارد. اولی صفت است و دیگری مضاف‌الیه. وقتی صفت یا اسم به واکه ختم شود، علامت وصفی و اضافی دیگر ظاهر نمی‌شود و فقط از روی تکیه می‌توان فهمید منظور کدام است. به عنوان مثال در دو ترکیب زیر:

34- nana-məlk'	ملک مادری (وصفی)
35- nana' məlk'	ملک مادر (اضافی)

در اولی دو کلمه فقط یک واحد آوایی محسوب می‌شوند یعنی هیچ مکئی بین دو بخش کلمه نیست، ولی در دومی بعد از nana یک مکئی است که نشان می‌دهد، مضاف‌الیه است نه صفت. این بدان معنی نیست که علامت مضاف‌الیه با تکیه است، البته چنین حالتی فقط در کلمات مختوم به واکه اتفاق می‌افتد. در دو ترکیب زیر که اسم مختوم به همخواناست، چنین اتفاقی نیفتاده است:

36- hasan =a raz باغِ حسنی (باغی که منسوب به حسن است).

Hassan Clt garden

37- hasan =ə raz باغ حسن (باغی که مال حسن است).

Hassan Clt garden

۴-۱-۵- نشانه نکره

در تاتی نشانه نکره همانند زبان فارسی، (نک. شقاقی، ۱۳۷۶: ۱۵۱) واژه‌بست محسوب می‌شود. این تکواژ همیشه در منتهی‌الیه گروه می‌آید و حوزه نفوذش گروه اسمی است. هیچ‌وندی بعد از آن نمی‌آید. اگر گروه اسمی صفت داشته باشد، بعد از صفت می‌آید. در تاتی هیچ‌گاه صفت به تنهایی «ی» نکره نمی‌گیرد. اگر بخواهد تنها بیاید، یک طبقه‌نمای گله gəla بدان افزوده می‌شود. و بعد از آن «ی» نکره اضافه می‌شود:

38- varg =i bəše درختی را بریدم.

Wolf.Abs Clt. one go.pst. 3sg

39- pilla dār=i bargənəs درخت بزرگی دیدم.

big tree Clt.Acc fall.past. 3sg

در تاتی شکل کامل این واژه‌بست به صورت i (یک) به کار می‌رود. این شکل کامل آنقدر مستقل است که به تنهایی می‌تواند هسته گروه اسمی باشد. مانند:

40- i bəše i bāma یکی رفت، یکی آمد.

one went one came

41- i gāv =əm bəxəri. یک گاو خریدم.

one cow Clt.Obl buy.past 1pl

۴-۱-۶- نشانه تأکید فعل

در زبان تاتی یک تکواژ تأکیدی (-[y]e) وجود دارد که به آخر فعل افزوده می‌شود و تأکید را به فعل القا می‌کند. این تکواژ واژه‌بست است. افزودن تأکید به فعل در اینجا لزوماً به این معنی نیست که تکیه می‌گیرند.

42- avə bāj=e [حتماً] به او بگو (به او بگیا)

43- pemagi=ye برنبار (برنداری ها!)

این تکواژ در تاتی همانند تکواژ تأکیدی زبان فارسی (شقاقی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)؛ یک واژه‌بست است و دلیلش هم این است که معنای مستقل دارد، بی‌تکیه است، حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است و هیچ‌وندی نمی‌تواند به آخرش افزوده شود. این واژه‌بست از نظر تعداد هجا، تک‌هجایی است.

۴-۱-۷- قید بی‌بستی

در زبان تاتی شکلی از قید به‌صورت واژه‌بست به‌کار می‌رود. این قید شکل کاملش ni (هنوز)، و شکل بی‌بستی اش -in (y) است. این نشانه بی‌تکیه است، بعد از آن هیچ‌وندی ظاهر نمی‌شود و معنادار است و معنایش از واژه‌پایه‌اش نمی‌گیرد. حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است و همیشه به آخر گروه اسمی افزوده می‌شود. این واژه‌بست میزبان‌های مختلفی دارد:

44- mâsun =in bâma	اسم	محسن هم آمد.
Mohsen.Nom Clt.too come past.3sg		
45- a =yin bæšu	ضمیر	او هم برود (گفتاری: اونم بره).
3sg Nom Clt.too go:Emp		
46- xub =in merə bad =in merə	صفت	خوب هم می‌میرد بد هم می‌میرد.
good.Nom Clt. too die.pres bad.Nom		
Clt. too		
47- šav =in âvâj =ə	قید	شب هم باز است؟
night Clt, too open is		

۴-۱-۸- ضمیر شخصی اول شخص مفرد

در تاتی یکی از ضمائر شخصی به‌صورت واژه‌بست ظاهر می‌شود. این ضمیر -ma و شکل کاملش man است. این نشانه پیش‌بست است و تنها واژه‌بست زبان تاتی دروی است که از نظر جهت یک پیش‌بست محسوب می‌شود. این چنین واژه‌بستی در زبان فارسی نیز به‌کار می‌رود و آن ma در ضمیر «مرا» است. تکواژ -ma در تاتی بی‌تکیه است، معنا دارد، نقش می‌پذیرد. این واژه‌بست ویژه تنها پیش‌بست زبان تاتی است میزبان این واژه‌بست، واژه‌بست دیگری است.

48- ma =na bâmâ	حرف اضافه «na»	با من آمد.
me Clt. whit came.		

۴-۱-۹- تعدادی از حالت‌نماها

در زبان فارسی حالت‌نمایی وجود دارد (برای حالت‌نمایی در زبان تاتی دروی نک. سبزه‌علیپور، ایزدی‌فر، ۱۳۹۳) یعنی حالت‌های مختلف اسمی از طریق حالت‌نماها مشخص می‌شود. این حالت‌نماها در آخر اسم ظاهر می‌شوند. حوزه نفوذشان گروه اسمی است و همیشه در انتهای گروه قرار می‌گیرند. از نظر آوایی بی‌تکیه هستند، یعنی در ظاهر همچون یک وند تصریفی به واژه پایه می‌پیوندند ولی همانند وند تصریفی تکیه ندارند، از این منظر یک واژه‌بست محسوب می‌شوند. همان‌طور که گذشت، در زبان‌های لاتین و هندی نیز حالت‌نماها واژه‌بست محسوب می‌شوند.

۴-۱-۹-۱- حالت‌نمای - متمم‌ازی، بایی، دری، برای^۴

این حالت‌نماها عبارتند از: -râ, -da, -na, -ku. این نشانه‌ها شکل کامل ندارند. لازم به‌ذکر است تکواژ r-â مثل «را» در زبان فارسی نیست که علامت مفعول صریح باشد، بلکه علامت متمم برای یا گاه قیدی است.

50- çəmân	raz	=da	bim	اسم	در باغ آنها بودم.
them	garden	Cl.t.in	be. past 1sg		
51- ça	=ku	=š	egat	ضمیر	از او گرفت.
him/her	Cl.t/ from	Cl.t 3sg	give.		
past 3sg					
52- çəmân	hama	=na	bənəšt	صفت	با همه آنها نشست.
Them	all	Cl.t Whit	sit down.		
past 3sg					
53- šavə	=râ	râ dagən.		قید	در شب (شبانه) حرکت کنیم
night	Cl.t.in	move. Imper			

۴-۱-۹-۲- حالت‌نمای ندایی

در زبان تاتی همانند زبان فارسی (کلباسی، ۱۳۷۱: ۳۲) علامت ندا واژه‌بست محسوب می‌شود. «اگر اسم تاتی نقش منادا داشته باشد، با حالت ندایی نشان داده می‌شود. نشانه حالت‌نمای ندایی در زبان تاتی e- است که به آخر اسم می‌پیوندد. اگر اسم مختوم به هم‌خوان باشد، بیشتر از واج میانجی [-y] استفاده می‌شود» (سبزعلیپور و ایزدی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۴): در زبان تاتی منادا همانند زبان فارسی اغلب با دو نوع علامت می‌آید: الف) نشانه قبل از اسم، ب) نشانه بعد از اسم. نشانه قبل از اسم در تاتی ay, hay است که قبل از اسم می‌آید و نشانه بعد از اسم که نوعی واژه‌بست محسوب می‌شود، e- است. از نظر تاریخی این تکواژ ادامه حالت‌نمای ندایی^۵ اسم در دوره ایرانی باستان است که به آخر اسم اضافه می‌شده است، به عبارتی دیگر، در دوره باستان نیز حالت‌نمای ندایی وجود داشته است.

54- hasan	=etəlâqâli yâ bu.	Hasan	Voc	حسنا (ای حسن)، کمی اینجا بیا!
	come here!			
55- zeynab	=e	kâriš?		زینبا (ای زینب)، کجایی؟
	Zeynab-Voc	where are you?		
56- ali-y	=eâgard bu	ka!		علیا (ای علی)، برگرد بیا خانه
	Ali-Voc	return come home!		

تکواژ ویژه ندا (e-) در زبان تاتی تکیه نمی‌گیرد و امروزه در حال از بین رفتن است. این تکواژ یک واژه‌بست است و در انتهای اسم‌های منادا قرار می‌گیرد یعنی چیزی بعد از آن نمی‌تواند ظاهر شود و حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است.

1. Ablative
2. Instrumental
3. Locative
4. Dative
5. Vocative

۴-۱-۹-۳- حالت‌نمای اضافی

در زبان تاتی همانند زبان فارسی (شقاقی، ۱۳۷۶: ۱۵۲) علامت کسره یک واژه‌بست محسوب می‌شود. مضاف‌الیه نیز همانند صفت، مقدم است. در این زبان علامتی که به مضاف‌الیه می‌پیوندد، نوعی واژه بست محسوب می‌شود. این تکواژ در زبان تاتی گونهٔ دروی ɔ- است که تکیه نمی‌گیرد و در زمانی که اسم یا همان مضاف‌الیه مختوم به واکه باشد، هیچ تظاهر آوایی ندارد. مانند:

57- hasan =ə raz =ə bar	در باغ صمد
Hasan Clt garden Clt	
door	
58- rəzâ amu ka	خانهٔ عموی رضا
Reza uncle house	

همچنان که معلوم است در مثال اخیر هیچ کدام از دو مضاف‌الیه مختوم به همخوان نیستند، بنابراین هیچ کدام تکواژ اضافه‌نما نگرفته‌اند. حال اگر چنین حالتی برای اسم مختوم به همخوان پیش بیاید، یعنی، تکواژ ɔ- در آنها ظاهر نشود، موجب بدساختی آن می‌شود. مانند:

59- *hasan raz bar	در باغ صمد
Hasan garden door	

این تکواژ در زبان تاتی یک واژه بست محسوب می‌شود، اولاً تکیه نمی‌گیرد، ثانیاً بعد از آن هیچ سازه‌ای دستوری اضافه نمی‌شود، ثالثاً چندین میزبان دارد. حوزهٔ نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است. هم‌چنان که معلوم است، این واژه‌بست از نظر هجایی یک هجایی است.

60- maryam =ə das	اسم (دستِ مریم).
Maryam Clt hand	
61- bad =ə nâm =ə baran	صفت نامِ بد را بینداز (بر زبان نیاور).
bad Clt name Cl take away	

۴-۱-۹-۴- تکواژ ملکی

در زبان تاتی ضمیر ملکی با تکواژ kən / kin- و kəne- به صفت ملکی تبدیل می‌شود. از این تکواژها kən (و تکواژ گونهٔ دیگر آن kin) در حالت فاعلی به کار می‌روند و تکواژ kəne در حالت غیرفاعلی به کار می‌رود. ضمائر ملکی و صفات ملکی تاتی دروی در جدول زیر معرفی شده‌اند.

جدول ۲: ضمائر و صفات ملکی دروی

صفات ملکی			ضمائر ملکی	شخص و شمار
حالت غیرفاعلی	حالت فاعلی			
čəman. kəne	čəman. kin	čəman. kən	čəman	اول شخص مفرد
əštə.kəne	əštə.kin	əštə.kən	əštə	دوم شخص مفرد



ča.kəne	ča.kin	ča.kən	ča	سوم شخص مفرد
čama.kəne	čama.kin	čama.kən	čama	اول شخص جمع
šəma.kəne	šəma.kin	šəma.kən	šəma	دوم شخص جمع
čəmân.kəne	čəmân.kin	čəmân.kən	čəmân	سوم شخص جمع

تکواژه‌های صفت ملکی در تاتی (چه در شکل فاعلی (مستقیم) و چه در شکل غیرفاعلی (غیرمستقیم)، نوعی واژه‌بست محسوب می‌شوند. دلیل واژه‌بست بودن‌شان این است تکیه ندارند و در انتخاب میزبان گزینشی عمل نمی‌کنند؛ یعنی فقط با میزبان خاصی ظاهر نمی‌شوند. در تاتی دروی این دسته از تکواژه‌ها با میزبان‌های زیر ظاهر می‌شوند. حوزه نفوذ این واژه‌بست گروه اسمی است و همیشه در انتهای گروه اسمی قرار می‌گیرند و صورت کامل ندارند:

62- mami =kənə bā Mami Clt.indirect bring	مال حسن را بیاور	اسم
63- čəmə =kin salim =ə This Clt intact Clt 3sg	مال این را بیاور	ضمیر اشاره
64- čiki =kən =ər pegat? Whose Clt Clt picking up .past 2sg	مال کی را برداشتی؟	ضمیر پرسشی
65- hamaynân =kəne bā. all Clt bring	مال همه را بیاور	ضمیر مبهم
66- čəma =kən damard mine Clt die out past: 3Sg	مال من خاموش شد	ضمیر ملکی
67- xubə =kəne bā, badə =kəne barz good.Gen Clt bring: Emp, bad Gen Clt leave: Emp	مال [شخص] خوب را بیاور مال بد را بگذار.	صفت

همان‌طور که معلوم است در تاتی دروی تکواژه‌های ملکی میزبان‌های مختلفی دارند. این تکواژ در تاتی از دسته تکواژه‌هایی است که یک تکواژ دیگر نیز می‌تواند بدان متصل شود. در مثال ۳ دو واژه‌بست در کنار همدیگر آمده‌اند. در مثال‌های ۱، ۴ و ۶ واژه‌بست‌ها در حالت غیرفاعلی و در مثال‌های ۲، ۳ و ۵ در حالت فاعلی ظاهر شده‌اند.

۴-۱-۹-۵- حالت‌نمای غیرفاعلی

همان‌طور که گذشت، اسم تاتی دو حالت کلی فاعلی (مستقیم) و غیرفاعلی (غیرمستقیم) دارد. «اسم تاتی در نقش مفعول فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان حال، فاعل فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان گذشته، مفعول غیرمستقیم در جملات دارای زمان حال از جمله مفعول ازی، مفعولی دری، مفعول برایی دارای حالت غیرفاعلی است. نشانه حالت غیرفاعلی اسم مفرد در تاتی ʔ- است که به‌صورت پس‌وند به انتهای اسم می‌پیوندد؛ اگر اسم مفرد مختوم به هم‌خوان باشد، نشانه غیرفاعلی ظاهر نمی‌شود. نشانه غیرفاعلی اسم‌های جمع در تاتی -ân- است. جملات زیر کاربرد نشانه غیرفاعلی در تاتی را نشان می‌دهند» (سبزه‌علیپور، ایزدی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۲):

من گاو را می‌بینم. 68- azgâv=ə vin-əm
 1sg:Nom cow-Acc see-Pst
 آن دیوار سفید را کثیف نکن. 69- a əsbiy divâr=ə kasif âmaka.
 that white wall-Acc dirty don't

در تاتی اسم‌هایی که نشان‌دهنده روابط خانوادگی هستند، مثل پدر، مادر، خواهر، برادر، شوهر، و ... دو حالت فاعلی و غیرفاعلی جداگانه‌ای دارند. این اسم‌ها در حالت غیرفاعلی مختوم به -ar هستند (سبزعلیپور- ایزدی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۷). این حالت‌ها نیز در تاتی یک واژه‌بست محسوب می‌شود. مانند: čəman xâv bəše (خواهرم رفت)، čəman xâv=ar bāt (خواهرم را دیدم). در جمله اخیر xâv.ar نقش غیرفاعلی دارد و حالت‌نمای خاص آن را پذیرفته است. دلیل واژه‌بست بودن این نشانه این است که همیشه در انتهای واژه ظاهر می‌شود، تکیه نمی‌پذیرد و نقش نحوی میزبان خود را مشخص می‌کند.

۲-۴- میزبان‌های واژه‌بست در زبان تاتی دروی

هر واژه‌بستی به یک پایه متصل می‌شود. پایه‌ای که واژه‌بست به آن متصل می‌شود را میزبان می‌گویند. در زبان تاتی واژه‌بست‌ها میزبان‌های مختلفی دارند. در هر جایی از این مقاله که واژه‌بستی برای اولین بار، معرفی شده، میزبان‌های احتمالی آن نیز معرفی شده‌اند، در زیر برای جلوگیری از تکرار، فقط آن نوع یا سازه دستوری که می‌تواند به‌عنوان میزبان واژه‌بست، قرار گیرد، معرفی شده و در مقابلش شماره‌هایی آمده که نشان‌دهنده مثال مورد نظر در این مقاله است:

۱. اسم: مانند مثال‌های شماره ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۷، ۱۵
۲. فعل (شامل لازم ماضی و مضارع، فعل‌های متعدی ماضی، فعل‌های مرکب ضمیری). نمونه‌هایی برای هر یک از این نوع میزبان در مثال‌های شماره ۴، ۱۷، ۲۶ آمده است.
۳. صفت، شامل صفت ساده، نسبی، ملکی، مبهم، اشاره. مانند مثال‌های شماره ۲۱، ۳۰، ۳۱.
۴. ضمیر شامل ضمائر شخصی، ملکی، مبهم، پرسشی، اشاره. مانند مثال‌های شماره ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۴۸.
۵. حروف: مانند مثال‌های شماره ۸، ۵۱.
۶. قید: مانند مثال‌های شماره ۱۰، ۵۳، ۲۶.

۳-۴- اتصال واژه‌بست‌ها به یکدیگر

هرگاه واژه‌بست به پایه متصل شود، دیگر نمی‌توان به آنها (پایه + واژه‌بست) هیچ‌گونه وند صرفی اضافه کرد، گاه اتصال واژه‌بست مانع از افزودن واژه‌بست‌های دیگر نیز می‌شود. مانند: «کتابمو خوندم» (شقاقی، ۱۳۷۶: ۱۴۷). کروگر (۲۰۰۵) معتقد است واژه‌بست می‌تواند به واژه‌بست‌های دیگر متصل شوند. مثلاً در جمله انگلیسی زیر واژه‌بست 've

به واژه بست 'd متصل شده‌است کروگر (۲۰۰۵: ۳۱۹) زوئیکی (۱۹۸۵):
 I'd've done it if you'd asked me.
 در بافت‌های خاصی از زبان تاتی تا چهار واژه‌بست می‌توانند به یکدیگر متصل شده، پشت سر هم قرار بگیرند:

مال مرا بردند 69- čəman =kəne =šân bəvard

my Clt Clt take away . past 3sg
 70- hasan =mân =kəne =šân pegat مال حسن اینها را برداشتند.
 Hasan Clt Clt Clt pick up. pst 3sg
 71- hasan=ə =kəne =ku =šân pegat. از مال حسن برداشتند.
 Hasan OblClt. Poss Clt.fromClt pic up: pst. 3sg

در مثال اول بالا دو واژه‌بست و در مثال آخر سه واژه‌بست به همدیگر متصل شده‌اند. دلایل واژه‌بست بودن هر کدام از واژه‌بست‌ها در جای خود ذکر شده است. نکته‌ای که در این جا باید ذکر شود این است که در این جایگاه چهار تکواژ hasan.mân.kəne.šân یک گروه اسمی را تشکیل می‌دهد و یک تکیه دارد. همان‌طور که گذشت، میدان عملکرد واژه‌بست‌ها می‌تواند واژه، گروه، بند و جمله باشد. در این جا نیز به گروه اسمی اضافه شده است. در اینجا تکیه روی گروه است و اگر کسی بخواهد تکیه دیگری به این سازه دستوری بدهد، جمله بدساخت می‌شود. یعنی به هیچ وجه نمی‌توان این سازه را دو پاره کرد و بین‌شان مکث قرار داد.

۴-۴- جهت واژه‌بست

از نظر جهت واژه‌بست‌ها را به دو دسته^۱ پیش‌بست^۲ و پی‌بست^۳ تقسیم می‌شوند. در تاتی اغلب واژه‌بست‌ها پی‌بستی هستند، و فقط یک پیش‌بست=ma وجود دارد که شکلی از ضمیر شخصی اول شخص مفرد است. توضیحات این واژه‌بست در بند ضمیر شخصی اول شخص مفرد آمده‌است. انواع واژه‌بست‌ها از نظر جهت در جاهای مختلف مقاله حاضر ذکر شده‌است بدان خاطر از تکرار آنها در این بخش خودداری می‌شود.

۴-۵- واژه‌بست‌های ساده و ویژه

«واژه‌بست‌های ساده، واژه‌بست‌هایی هستند که در جایگاه‌هایی به کار می‌روند که معادل تمام‌عیار آنها نیز به کار می‌روند. مثل واژه‌بست 's در جملات زیر که صورت تمام‌عیار آن در جمله 'is a و در جمله 'has b است:

a. Jean's here.

b. Jean's left.

واژه‌بست‌های ویژه در مقابل، در جایگاه‌هایی به کار می‌روند که معادل تمام‌عیار آنها معمولاً وقوع ندارد، مانند ضمیر پیوسته فارسی «نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۷۹».

در زبان تاتی فقط یک واژه‌بست ساده وجود دارد و آن ضمیر پی‌بستی است که با شکل کامل خود توزیعی برابر دارد. بقیه واژه‌بست‌های تاتی همه ویژه هستند. واژه‌بست‌های ویژه خود دو دسته هستند: الف) آنهایی که شکل کامل دارند، که در جدول زیر معرفی شده‌اند، ب) آنهایی که شکل کامل ندارند. مانند: علامت ندا، علامت جمع mân، علامت صفت، علامت اضافه، علامت تأکید، و قید پی‌بستی ni و نشانه مالکیت.

1. proclitic

2. enclitic

جدول ۳: شکل کامل و شکل ویژه واژه بست‌های دروی

ضمایر غیرفاعلی (ارگتیو)		ضمیر «من»	علامت نکره
شکل کامل	شکل ویژه	شکل کامل	شکل کامل
man	-(ə)m	man	i
tə	-(ə)r	من	یک
avə	-(ə)š		
ama	A-(ə)mân	شکل ویژه	شکل ویژه
šəma	-(ə)rân	ma=	=[y]i
avân	-(ə)šân	=مَ	

۴-۶- نقش واژه‌بست

نقش‌ها و کارکردهای مختلفی که واژه‌بست‌ها در زبان تاتی گونه دروی برعهده دارند، به شرح زیر است:

- ۱- مطابقت فاعلی. منظور از مطابقت فاعلی آن است که یک واژه‌بست فعل را با فاعل آن از نظر شخص، شمار و احیاناً جنس دستوری، مطابقت می‌دهد. شناسه‌های فعل در زبان تاتی از این دسته هستند. نمونه‌هایی از مطابقت فاعلی در مثال‌های شماره ۱۵، ۱۴، ۲۰، ۱۹ آمده است.
- ۲- مطابقت مفعولی. منظور از مطابقت مفعولی آن است که یک واژه‌بست فعل را با مفعول آن از نظر شخص، شمار و جنس دستوری، مطابقت می‌دهد. ضمایر متصل غیرفاعلی در زبان تاتی از این دسته هستند. نمونه‌ایی از مطابقت مفعولی در مثال ۷۳ آمده است.
- ۳- نقش معرفگی. منظور از نقش معرفگی نشاندار کردن یا تمایز اسم معرفه در کلام است. در مثال‌های شماره‌ی: ۱، ۲، نمونه‌هایی از کارکرد معرفگی آمده است.
- ۴- نقش ملکی. تعدادی از واژه‌بست‌های تاتی نقش‌نمای ملکی هستند، یعنی به مالک متصل می‌شوند و مالک را نشان‌دار می‌کنند. در مثال‌های شماره‌ی: ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷ نمونه‌هایی از این کارکرد واژه‌بست ذکر شده است.
- ۵- متمم به‌ای. تعدادی از نقش‌نماهای تاتی نقش متمم‌به‌ای دارند. در تاتی اضافه‌ای به معنای «به» وجود ندارد و فقط از حالت غیرفاعلی اسم در جمله مشخص است که آن متمم‌به‌ای است. مانند *hasan.ə âda* (به حسن بده). برای مثال‌های بیشتر نک. شواهدی که در شماره‌های ۶، ۸ و ۹ آمده است.
- ۶- متمم بایی. در تاتی متمم بایی با نشانه خاص *-na* همراه است، در مثال‌های شماره ۱۵، ۴۸، ۴۹، ۵۲ شواهدی برای متمم‌بایی تاتی ذکر شده است.
- ۷- متمم ازی. تعدادی از نقش‌نماهای تاتی نقش متمم ازی دارند. نشانه متمم ازی در تاتی *-ku* است که به اسم در حالت غیرفاعلی می‌پیوندد، در مثال شماره ۵۱ و ۷۱ شواهدی از این متمم همراه با شرحش ذکر شده است.
- ۸- متمم دری. نشانه متمم دری در تاتی *-da* است که به اسم در حالت غیرفاعلی می‌پیوندد. شواهدی از این متمم در مثال شماره ۵۰ آمده است.

۹- متمم برایی. نشانه متمم برایی در تاتی دروی، *tâ*- است که به شکل غیرفاعلی اسم می‌پیوندد. نک. مثال‌های شماره‌ی: ۶، ۹، ۵۳.

۱۰- قیدی. تعدادی از نقش‌نماهای تاتی نقش قیدی دارند. در مثال‌های شماره ۴۴، ۴۶، ۴۷؛ واژه‌بست‌های با نقش قیدی آمده است.

۴-۷- مضاعف‌سازی واژه‌بست‌ها در کنار فعل

در زبان فارسی مضاعف‌سازی واژه‌بست‌ها به چشم می‌خورد. بدین صورت که یک واژه‌بست ممکن است در بافتی هم مرجع با مفعول جمله تکرار شود. راسخ مهند (۱۳۸۹: ۷۹) معتقد است: «واژه‌بست‌های فارسی علاوه بر ساخت‌های مورد بحث در بخش قبل [در بافت‌های نظیر خوابش برد، بدم می‌آید]، در جملاتی مانند من علی را دیدمش، میزمنت، احمد او را دوستش داره، نیز در کنار فعل به کار می‌روند. این واژه‌بست‌ها نشانه مفعول هستند و می‌توانند به جای مفعول آشکار به کار روند، و برعکس مفعول‌های آشکار که معمولاً قبل از فعل به کار می‌روند، واژه‌بست‌ها بعد از فعل قرار می‌گیرند» و در تاتی دروی چنین ویژگی‌ای برای واژه‌بست‌ها وجود ندارد. و اگر واژه‌بستی مضاعف شود، بدساخت می‌شود:

(تو حسن را دیدیش؟) *72- *tə hasan =ər bind =is?*
You Hassan Clt 2sg see past are
 Clt.2sg

واژه‌بست‌های فارسی در بافت فوق، همان‌طور که راسخ مهند نوشته‌اند، نشانه مفعولی هستند، اما در تاتی دروی چنین نیستند. در بعضی از گونه‌های تاتی، واژه‌بست‌ها نقش مطابقت مفعولی را به عهده دارند. یعنی با مفعول خود را هماهنگ می‌کنند نه با فاعل. به‌عنوان نمونه در تاتی لردی چنین جملاتی به کار می‌رود (مثال از رضایتی - سبزیلیور، ۱۳۸۶: ۹۸):

زینب ما را دیدمان (تاتی لردی). *73- zeynab =ə âma bind =əmân.*
Zeynab Clt. 3 sg we see past Clt. 2 pl

در جمله فوق مفعول *âmâ* است که فعل هم مطابق آن پی‌بست گرفته است. در تاتی دروی در این بافت جمله زیر به کار می‌رود:

زینب ما را دید (تاتی دروی). *74- zeynab =ə ama bind.*
Zeynab Clt. 3 sg we see past 3Sg

۴-۸- فعل مرکب پی‌بستی

در زبان تاتی همانند زبان فارسی تعدادی فعل وجود دارد که حضور پی‌بست در آنها اجباری است. در افعال مرکب پی‌بستی نیز همواره یک ضمیر وجود دارد. مانند: «خوشم آمد»، «لجش گرفت»، «چندشم شد». در این دسته از افعال ضمایر متصل غیرفاعلی (م، ت، ش، مان، تان، شان) قابل حذف نیستند. فعل این دسته از افعال شان فقط به صورت سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود، و معنایشان از تک‌تک اجزای آنها به دست نمی‌آید و اغلب برای بیان حالات انفعالی و عاطفه به کار می‌روند (ناتل خانلری، ۱۳۶۹: ۱۷۶/۲) (برای ویژگی‌های بیشتر این افعال نک. راسخ‌مهند،

۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲). در تاتی نیز این افعال وجود دارند و یکی از محیط‌هایی هستند که در آنها ضمیر پی‌بستی ظاهر می‌شود. مانند:

75- vir =əm barše
Mind Clt jump. past 3sg
76- za:la =m šu
hate Clt go.pres.3sg

یادم رفت.

چندشم می‌آید.

چند نکته در مورد تعدادی از این افعال پی‌بستی تاتی دروی:

الف) فقط در بافت خاصی از این گونه از جملات می‌توان ضمائر پی‌بستی را حذف کرد، آن‌هم زمانی است که ضمائر منفصل هم مرجع با آن در آغاز جمله ذکر شده باشد. در غیر این صورت جمله بد ساخت می‌شود. ب) زمانی که فعل این جملات حذف می‌شود، ضمیر متصل غیر فاعلی را دیگر نمی‌توان حذف کرد. چون کارکردی فعل پی‌بستی پیدا می‌کنند. این در حالیست که در زبان فارسی فقط ضمائر پی‌بستی که نقش فاعلی داشتند می‌توانند به صفت یا اسم اضافه شوند و همچون فعل عمل کنند. مانند: «خوبیم»، «مریضم». اما در تاتی علاوه بر ضمائر پی‌بستی که می‌توان آن را افعال پی‌بستی از مصدر «بودن» فرض کرد، ضمائر متصل غیرفاعلی هم در بافت‌های خاصی کارکرد فعل پی‌بستی پیدا می‌کنند.

جدول ۴: نمونه‌ای از افعال مرکب پی‌بستی دروی

سردم است	یادم است	جملات بد ساخت	
77- sard =əm. cold Clt	78- vir =əm. mind Clt	80- *man sard =əm es. me cold Clt is.	من سردم است.
78- sard=əm es. cold Clt is.	79- vir =əm es. mind Clt is.	81- *man vir =əm es. me mind Clt is.	من یادم هست.
79- man sard -ə. me cold 's.	80- man vir -ə. me mind 's.		

جدول ۵: واژه‌بست‌های تاتی در یک نگاه

-mân	نوعی علامت جمع و معرفی برای انسان
-(ə)m, -(ə)r, -(ə)š, -(ə)mân, -(ə)rân, -(ə)šân,	ضمائر متصل غیرفاعلی (ضمائر ارگتیو)
-(im), -(i)š, -(ə/e/ø), -(i)mân, -(i)rân, -(i)rân	ضمائر پی‌بستی یا متصل فاعلی (شناسه)
-a	علامت صفت
-(y)i	علامت نکره
-e	نشانه تأکید فعل
-in, /-ni	قید پی‌بستی
ma-	ضمیر شخصی اول شخص مفرد



-na, -râ, -ku, -da,	متمم بایی، برایی، ازی، دری	حالت‌نماها
-(y)e	حالت‌نمای ندایی	
-ə	حالت‌نمای اضافی	
-kən, -kin (فاعلی), -kəne (مفعولی)	نشانه مالکیت	
-ə/ -ar	حالت‌نمای غیرفاعلی	

۵- نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های تاتی گونه دروی نشان می‌دهد در این زبان واژه‌بست‌های بسیاری به کار می‌رود، تعدادی از این واژه‌بست‌ها با زبان فارسی شباهت دارد. واژه‌بست‌هایی که در زبان تاتی به کار می‌روند، عبارتند از علامت جمع و معرفی برای انسان، ضمائر متصل غیرفاعلی (ضمائر ارگتیو)، ضمائر پی‌بستی یا متصل فاعلی (شناسه)، نشانه صفت، نشانه نکره، نشانه تأکید فعل، قید پی‌بستی، ضمیر شخصی اول شخص مفرد و حالت‌نماها و ضمائر پی‌بستی. در بررسی ویژگی‌های کلی واژه‌بست‌ها در این زبان همانند زبان‌های دیگر، میزبان، جهت، نقش و تکیه اهمیت بسیار دارند. نکته جالب در این زبان این است که شناسه‌ها برخلاف زبان فارسی، واژه‌بست هستند و ترکیب چند واژه‌بست نیز در آن امکان‌پذیر است. برخلاف زبان فارسی، مضاعف‌سازی واژه‌بست‌ها در این زبان وجود ندارد.

ضمیمه

کوتاه‌نویسه‌های مورد استفاده در آوانگاری‌ها:

Voc	vocative	ندایی	Obl	oblique	غیرفاعلی
Erg	ergative	کنایی	Abs	absolutive	مطلق
Plu	plural	جمع	Acc	accusative	مفعولی
Pres	present	حال	Clit	clitic	واژه‌بست
Pst	past	گذشته	Gen	genitive	اضافی
Sg	singular	مفرد	Nom	nominative	فاعلی

منابع

— بامشادی، جواد (۱۳۹۲)، «واژه‌بست‌های ضمیری در زبان گورانی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی، به کوشش محمد راسخ مهندس، انجمن زبان‌شناسی، با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: نشر نویسه، ۲۶۹-۲۹۲.

- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۶)، «توصیف افعال مرکب پی‌بستی در زبان فارسی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌ها»، فرهنگ‌نویسی، شماره ۱: ۲۳۶-۲۵۲.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸)، «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۱، ۱-۱۰.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹) واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ۲، ش ۲، ۷۵-۸۵.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۲)، «واژه‌بست‌های به عنوان نشانه مطابقت فاعلی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی، به کوشش محمد راسخ مهند، انجمن زبان‌شناسی، با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: نشر نویسه، ۶۱-۷۸.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست، سبزی‌علی‌پور (۱۳۸۶)، «ارگتیو در زبان تاتی خلخال»، ادب‌پژوهی، شماره ۱، ۸۹-۱۰۶.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، دانشگاه گیلان.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۲)، «شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های تاتی تالشی و گیلکی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۵، ۱۶۷-۱۸۲.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۴)، گنجینه گویش‌های ایرانی، تاتی خلخال، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست، راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۳)، «نظام حالت‌نمایی در زبان تاتی خلخال»، جستارهای زبانی، شماره ۲۰، دوره ۵، ۱۰۳-۱۲۴.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶) مبانی صرف، تهران: انتشارات سمت.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۶)، «واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی وجود دارد؟»، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، به کوشش محمد دبیر مقدم و یحیی مدرسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی، ۱۴۱-۱۵۸.
- صراحی، محمد امین و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۲)، رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۵، ش ۱، ۱۳۰-۱۰۳.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوۀ الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: انتشارات سمت.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۳)، «از واژه‌بست تا وند اشتقاقی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، به کوشش محمد دبیر مقدم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۴۵-۱۳۵۰.
- Aikhenvald, Alexandra Y. (2003), "Typological parameters for the study of clitics, with special reference to Tariana", 42-78 of *Word: A Cross-Linguistic Typology*, edited by R.N.W. Dixon and Alexandra Aikhenvald. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bickel, B. and Nichols, J. (2007), "Inflectional Morphology", 169-240 of *Language Typology and Syntactic Description, V. III: Grammatical Categories and the Lexicon*, edited by Timothy Shopen, Cambridge: Cambridge University Press.
- Garrett, Andrew. (1996), Wackernagel's Law and unaccusativity in Hittite. In Halpern, Aaron, and Zwicky, Arnold (eds.), *Approaching Second: Second Position Clitics and Related Phenomena*. Stanford, CA: CSLI Publications, 85-133.

- Haig, G (2013), The subject/object asymmetry in bound person indexing: diachronic and discourse consideration. paper held at the workshop Agreement in Discourse. University of Bamberg, 1-2nd Feb.
- Katamba, F. (1993), *Morphology*. London: Mcmillan Press LTD.
- Klavans, J. (1985), "The Independence of Syntax and Phonology in Cliticisation", *Language*, 61, 95-120.
- Schegloff, Emanuel A. (2007), *Sequence Organization in Interaction: A Primer in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Spencer, Andrew (1991), *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Spencer, A& Ana R.LuΓ (2012), *Clitics: an introduction*. Cambridge Textbooks in Linguistics.
- Zwicky, Arnold M. (1977), *On Clitics*. Bloomington, IN: Indiana University Linguistics Club.
- Zwicky, A (1985), "Clitics and Particles", *Language*, 61, 283- 305.
- Zwicky, A. and Pullum, G. (1983), "Cliticisation vs. Inflection: English n't" *Language*, 59, 502-513.